

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میشل کولن
برگردان: حمید محوی
۱۰ جون ۲۰۲۲

روسیه باید خود را بازآفرینی کند



پیشگفتار: متن زیر ترجمه و ویدئوی میشل کولن روزنامه نگار و منتقد بلجیمی است که با وجود اختصار، مطالب مهمی را مطرح می کند که برای من جذابیت خاصی داشت و به همین علت آن را به فارسی ترجمه کردم. آدرس ویدئو را در پی آمده خواهید یافت. در نتیجه دوستانی که به زبان فرانسه آشنائی دارند نیازی به خواندن متن من نخواهند داشت و می توانند مستقیماً به خود ویدئو مراجعه کنند. میشل کولن بخش هائی از متن « چگونه روسیه برای پیروزی در جنگ ترکیبی علیه ایالات متحده امریکا باید خود را بازآفرینی کند.» نوشته دیمیتری ترینین را مورد بررسی قرار می دهد. پیشنهادهای ترینین برای روسیه هر عقل سلیمی را تشویق می کند، و راه کارهای او حتا خیلی جهانشمول به نظر می رسد.

حمید محوی/ پاریس. ۶ جون ۲۰۲۲

می خواهیم درباره روسیه حرف بزنیم. رویدادهای مهمی در شرف تکوین است، مشکلات نظامی، مسائلی که پیشبینی نشده بود. من یک متن خیلی جالب خواندم از نویسنده ای به نام دیمیتری ترینین زیرعنوان « روسیه باید خود را بازآفرینی کند»، او عضو کمیته روس برای سیاست خارجی و دفاع است، در نتیجه می توانیم او را به عنوان فردی پر

نفوذ تلقی کنیم، و اخیراً متنی خیلی انقلابی منتشر کرده است زیرا عنوان « چگونه روسیه برای پیروزی در جنگ ترکیبی علیه ایالات متحده امریکا باید خود را باز آفرینی کند ». پیش از این در مصاحبه با گابریل گالیس توضیح دادم که جنگ ترکیبی چیست، جنگی است که صرفاً و حتماً نظامی نیست بلکه اقتصادی، روانشناختی، اطلاعاتی و رسانه‌ای، سرویس‌های اطلاعاتی، جاسوسی... همه این وجوه در جنگ ترکیبی وجود دارد و وجه نظامی فقط یکی از آنها می‌تواند باشد. در اینجا به یکی دو فراز از این متن می‌پردازم، چون که این متن من را خیلی شگفت زده کرد و این نویسنده را نیز نمی‌شناختم. او ترازنامه‌ای را مطرح می‌کند و می‌گوید: از سال ۲۰۱۴ از حالت آماده باش وارد یک برخورد فعال و وارد یک جنگ تمام عیار شده ایم ولی این جنگ در واقع یک جنگ ترکیبی است و برخورد نظامی در اوکراین هنوز تا اینجا در ابعاد حداکثری نرسیده است. ولی خطر برخورد مستقیم بین روسیه و امریکا وجود دارد و افزایش می‌یابد. مشکلی که روسیه با آن روبه‌رو شده در تاریخ ما بی‌سابقه و این صورتبندی از برخورد در سطح خیلی بزرگتری نسبت به دوران جنگ سرد قرار دارد. در واقع صحنه اصلی جنگ بین ایالات متحده امریکا و روسیه، نه در خارج از روسیه بلکه در داخل روسیه واقع شده است.

او چه می‌گوید: البته فاصله بین دو جبهه متخاصم خیلی زیاد است، یعنی نیروهای حاضر نامتعادل یا نابرابرند. ایالات متحده امریکا و هم پیمانان آن اهداف خیلی رادیکالی را علیه روسیه در پیش گرفته‌اند، و در واقع خواهان حذف روسیه از سیاست جهانی هستند، و در پی تخریب کامل اقتصاد روسیه می‌باشند... و این ستراتیژی به اتحاد غربی اجازه می‌دهد که مسأله روسیه را حل کنند و از این طریق در عین حال جنگ علیه چین را تدارک می‌بینند. در نتیجه هیچ چشم انداز جدی برای مذاکره وجود ندارد. غرب اجازه نمی‌دهد که هیچ کشوری در جنگ بین روسیه و ایالات متحده امریکا بی‌طرف باقی بماند، جایی برای بی‌طرف ماندن وجود ندارد در نتیجه برای ما مشکل بزرگی را به وجود می‌آورد، مضافاً بر این که باید موفق شد طرح خود را در مورد اتحادیه اروپا به انجام رساند، یعنی تحکیم فرادستی (لیدر شپ) امریکا در غرب را به دست آورد. در نتیجه برای روسیه امکان مذاکره با اروپایی‌ها وجود ندارد که امنیت روسیه را تضمین کنند و به وضعیت ثابت و صلح آمیز در اروپا بازگشت کنند. در نتیجه مرکز سیاست ستراتیژی بین المللی مسکو باید روی خودگردانی روسیه تمرکز یابد، کشور باید روی نیروهای خود اتکاء کند. نتیجه این نبرد از پیش تعیین و مشخص نشده است. نبرد در حوزه تحریم‌ها روسیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی روسیه می‌تواند جهان پیرامون خود را متحول کند... در نتیجه تفاوتی بین جبهه خارجی و داخلی روسیه وجود ندارد، به این علت که جبهه داخلی روسیه اردوی جنگ برای ایالات متحده امریکا است.

ولی دیمیتری ترینین چه چیزی پیشنهاد می‌کند؟ او می‌گوید: روسیه باید حتماً در اوکراین پیروزی نظامی به دست آورد، یعنی ستراتیژی نظامی که پیروزی روسیه را تضمین کند. به این ترتیب از فحواى حرف او چنین بر می‌آید که پیروزی نظامی به شکلی که امیدوار بودند به دست نیامده است، ولی کار مهمی که روسیه باید انجام دهد این است که با کشورهای غیر غربی نظم نوینی را به وجود بیاورد، و اردوی ارتباطاتی آن را نیز گسترش دهد. مناسبات قوی با شرق اوکراین در دنباس و بیلاروس. او پیشنهاد می‌کند که روسیه سیاست خود را در مبنای سیاستی بیش از پیش اجتماعی تقویت کند. سیاستی که بیشتر زیر سلطه الیگارک‌ها بوده... از این پس باید سیاست خیلی قوی‌تر، بیش از پیش خودگردان و مستقل که فقط به نفت و گاز و گندم و مواد خام اولیه بستگی نداشته باشد بلکه باید به اقتصاد واقعاً پیشرفته‌ای تبدیل شود. و برای دست‌یابی به چنین هدفی ما یک مشکل داریم، و آن هم این است که الیگارک‌های ما میلیاردهائی را که به دست آورده بودند در بهشت‌های «آف شور» در غرب نگهداشته‌اند و خواهان معامله با غرب هستند، در حالی که روسیه نیازمند سیاستی است که روی وجه اجتماعی و عمومی اتکاء داشته باشد، که قدرت خرید مردم و وضعیت

فقر را به حساب بیاورد. و سیاستی که توسعه در همه بخش ها را در نظر بگیرد و نه فقط آن بخش هایی که مورد نظر الیگارک ها و به منافع آنان بستگی دارد. دیمیتری ترینین بخوبی درک کرده است که به چه علتی چین خیلی بهتر در مقابل امپریالیسم ایالات متحده آمریکا و اروپا مقاومت کرده و به چه علتی موفق شده اقتصاد قدرتمندی را به وجود بیاورد به طوری که قادر بوده فرادستی آمریکا در جهان را واژگون کند. او دریافته است که دولت و حزب کمونیست چین نقش تعیین کننده ای در اقتصاد چین به عهده داشته تا سیاست بر مبنای منافع اجتماعی استوار بماند و رضایت مجموع عموم مردم را به دست آورد، و یعنی سیاستی که خیلی مؤثر تر آن از چیزی است که الیگارک ها با سرمایه گذاری هایشان به دست می آورند. در چین برای سرمایه گذاری های درازمدت ارجحیت قائل می شوند که مجموع بخش ها در هماهنگی با یک دیگر توسعه یابد. یعنی روندی که به چین اجازه می دهد که کمتر به صادرات خود وابسته باشد و روی رشد بازار داخلی اتکاء می کند. می توانیم حدس بزنیم که دیمیتری ترینین در حال خواب دیدن چپ یا سوسیالیسم برای آینده روسیه است و نه روسیه ای که از دوران فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی شاهد آن بوده ایم.

La Russie doit se réinventer – Michel Collon

<https://youtu.be/ZlIJWj8bxqk>

گاهنامه هنر و مبارزه